

تبیین رفتار اتحادیه اروپا در قبال برجام

فاطمه شاه‌رضایی^۱

نوذر شفیعی^۲

حسین دهشیار^۳

حسن شفیعی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۷



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

چکیده

این پژوهش در صدد است به این پرسش پاسخ دهد که اتحادیه اروپا در قبال برجام از چه منطق رفتاری تبعیت کرده است؟ به بیان دیگر مبنا و شالوده رفتار اتحادیه اروپا در قبال برجام چیست؟ فرضیه مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده آن است که سیاست خارجی (رفتار) اتحادیه اروپا در قبال برجام، از منطق هنجاری اتحادیه اروپا (حکمرانی خوب، دموکراسی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، توسعه اقتصادی، رژیم‌های مهاجرتی و رژیم‌های امنیتی) با هدف تغییر رفتار ایران تبعیت می‌کند. یافته پژوهش حاکی از آن است که در بطن برجام، پتانسیل عمیقی نهفته است که در حوزه رفتارشناسی اتحادیه اروپا نسبت به آن، نقش کلیدی دارد؛ به این معنی که اتحادیه اروپا برای حل مسایل بین‌المللی از یک سو به هنجارسازی مبادرت می‌ورزد و از سوی دیگر از طریق آن هنجارها سیاست خارجی خود را اعمال می‌کند. از این منظر اتحادیه اروپا به برجام به مثابه هنجاری برای تغییر رفتار ایران می‌نگرد و آن را نوعی رژیم هنجاری، مشتمل بر باید و نبایدهایی می‌داند که تنظیم‌کننده رفتار ایران در حوزه هسته‌ای است.

واژه‌های کلیدی: برجام، قدرت هنجاری اروپا، منطق رفتاری اتحادیه اروپا، رژیم‌های بین‌المللی

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران
f.shahrezaei@yahoo.com

۲. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). n.shafiee@ase.ui.ac.ir

۳. استاد تمام گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. h_daheshiar@yahoo.com

۴. استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران. Dr.shafiee2011@yahoo.com
Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

مقدمه

این مقاله درست در زمانی به رشته تحریر درآمده است که دور هشتم مذاکرات برجام به ابتکار اتحادیه اروپا در جریان است. بنابراین بسیار مهم خواهد بود که با توجه به پیشینه نقش اتحادیه اروپا در مذاکرات برجام دریابیم که اساساً الگوی رفتاری اتحادیه اروپا در قبال برجام از چه منطقی تبعیت می‌کند. بدیهی است نقش اتحادیه اروپا در مذاکرات هسته‌ای که سرانجام در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) به «برنامه جامع اقدام مشترک» یا به اختصار «برجام» در وین منجر گردید، پررنگ و حائز اهمیت بوده است. نقش این اتحادیه در دوره پس از توافق یا پس‌برجام نیز، با توجه به خروج یک‌جانبه آمریکا و اعلام بازگشت تحریم‌ها در خور توجه است.

آنچه نقش آفرینی اتحادیه اروپا را در برجام و پس‌برجام ضروری ساخته است آن است که اگر که بحران شکل گرفته پیرامون برنامه‌های هسته‌ای ایران مهار نمی‌گردید، دامنه التهاب و تاثیرات منفی آن می‌توانست گسترش و تکثیر یابد و در روندی ترفیعی منافع اروپا را در حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیتی و اقتصادی تحت تاثیر قرار دهد.

بر این اساس سوال اصلی پژوهش حاضر این است که اتحادیه اروپا در قبال برجام از چه منطق رفتاری تبعیت کرده است؟ به بیان دیگر اتحادیه اروپا در قبال برجام چه سیاست خارجی داشته است و چه علل و عواملی باعث اتخاذ چنین سیاستی از طرف این اتحادیه شده است؟ فرضیه مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده آن است که سیاست خارجی (رفتار) اتحادیه اروپا در قبال برجام، از منطق هنجاری اتحادیه اروپا (حکمرانی خوب، دموکراسی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، توسعه اقتصادی، رژیم‌های مهاجرتی و رژیم‌های امنیتی) با هدف تغییر رفتار ایران تبعیت می‌کند. همچنین، متغیر مستقل پژوهش، هنجارها و ارزش‌های اتحادیه اروپا و متغیر وابسته رفتار اتحادیه اروپا در قبال برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) است.

بررسی موضوع این مقاله از آن نظر حائز اهمیت است که با شناسایی «منطق رفتاری و بنیاد فکری اتحادیه اروپا در ارتباط با برجام و نیز درک عوامل سوق‌دهنده اتحادیه اروپا به پیشتازی و استمرار عملی در فرآیند مذاکرات هسته‌ای با ایران، و همچنین شناسایی مولفه‌های عقلایی و انگیزشی شکل‌دهنده رفتار این اتحادیه»، می‌توان به درک حوزه‌های همبسته و التزامات و نتایج آنها، و نیز درک چشم‌انداز پیش‌رو نائل شد. از نظر سازمان دهی، در این مقاله ابتدا چارچوب مفهومی پژوهش (اروپا به عنوان یک قدرت هنجاری، با تاکید بر اصول و مفاهیم، ابزارها و روش‌ها؛ و با استناد و تطابق با اسناد رسمی اتحادیه اروپا)



فصلنامه علمی-پژوهشی
جمعیت نورسنت‌العلم الاسلامی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۲۶

سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

بررسی گردیده و سپس با مروری بر روابط اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران، منطق رفتاری اتحادیه اروپا در قبال برجام مورد مطالعه و تبیین قرار گرفته است.

پیشینه‌ی پژوهش:

پیشینه این پژوهش را می‌توان در دو گروه دسته‌بندی نمود: گروه نخست پژوهش‌هایی که منحصرأ به موضوع برجام و روابط ایران و اتحادیه اروپا پرداخته‌اند و گروه دوم پژوهش‌هایی که اروپا را بعنوان قدرت هنجاری مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند. در دسته نخست، می‌توان به مقاله «برگزیت، فرانسه، آلمان و انگلیس و آینده اروپا، رویکردی نسبت به ایران» به قلم انیسه بصیری تبریزی، تیئری کوویل^۱ و دیوید رامین جلیلوند^۲ در سال ۲۰۱۸، مقاله «اروپا و آینده سیاست ایران: برخوردی با بحران دوگانه» در سال ۲۰۱۸ نوشته علی فتح‌الله نژاد، پژوهش عمران عمر علی^۳ در سال ۲۰۱۸ با عنوان «اثر بخشی غیر منتظره؟ اتحادیه اروپا و سفر طولانی به توافق مهم ۲۰۱۵ در مورد برنامه هسته‌ای ایران»، مقاله رادوسلاو فیدلر^۴ در سال ۲۰۱۷ با عنوان «اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران- فرصت‌ها و چالش‌ها»، مقاله «ترامپ، اتحادیه اروپا و سیاست ایران: مسیرهای چندگانه پیش رو» به قلم کورنلیوس ادبار^۵ در سال ۲۰۱۷، مقاله «اتحادیه اروپا و تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران: منافع سیاست خارجی ایران و اتحادیه اروپا، و تغییر خاورمیانه» در سال ۲۰۱۶ به قلم پیتر سیبرگ^۶ و همچنین پژوهش «مشارکت اتحادیه اروپا در مذاکرات و اجرای توافق هسته‌ای ایران» در سال ۲۰۱۷ از سوی آندراش وینت^۷ و به راهنمایی ارشابت روشا^۸ اشاره نمود.

در گروه دوم، مقالات ایان منرز^۹ با عناوین «اروپای قدرت هنجاری: تناقضی در واژگان» در سال ۲۰۰۲، «مفهوم قدرت هنجاری در سیاست‌های جهانی» در سال ۲۰۰۹ و «قدرت هنجاری اتحادیه اروپا: دیدگاه‌های انتقادی» در سال ۲۰۱۱، مقاله «هنجارها، قدرت و اروپا: دستورکار جدیدی برای

1. Thierry Coville
2. David Ramin Jalilvand
3. Omran Omer Ali
4. Radosław Fiedler
5. Cornelius Adebahr
6. Peter Seeberg
7. András Windt
8. Erzsébet N. Rozsa
9. Ian Manners



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیان اسلام

مطالعه اتحادیه اروپا و روابط بین‌الملل^۱ به قلم ریچارد ویتمن^۱ در سال ۲۰۱۱، مقاله "مشروعیت از طریق هنجارها: محدودیت‌های سیاسی برای قدرت هنجاری اروپا" نوشته کریس بیکرتن^۲ در سال ۲۰۱۱، مقاله "اتحادیه اروپا به عنوان یک «قدرت هنجاری» در روابط بین‌الملل: چالش‌های نظری و تجربی" نوشته آنا اسکولیموسکا^۳ در سال ۲۰۱۵ و همچنین مقاله "مفهوم قدرت هنجاری اتحادیه اروپا" به قلم اکتارینا ساورسکیا^۴ در سال ۲۰۱۵ قابل ذکر است که به موضوع اروپای قدرت هنجاری پرداخته‌اند.

نوآوری این مقاله در آن است که ترکیبی از دو رویکرد یادشده است به صورتی که تبیین منطق رفتاری و شالوده فکری اتحادیه اروپا را در قبال برجام با کاربست چارچوب مفهومی اروپا به عنوان یک قدرت هنجاری با تکیه بر اسناد رسمی اتحادیه اروپا مورد توجه قرار داده است. به بیان دیگر در مقاله حاضر تلاش برای پی‌بردن به عقبه فکری رفتار اروپا در قبال برجام و شناسایی بنیاد فکری آن و تئوریزه کردن رفتار اتحادیه اروپا و سایر اطلاعات پراکنده در این باب، در دستورکار قرار گرفته است؛ رویکردی که در پژوهش‌های قبلی یا مغفول مانده و یا به شکل غیر مستقیم و در حاشیه مباحث دیگر به صورت نقطه‌ای و پراکنده مطرح گردیده است.

چارچوب مفهومی: اروپا به عنوان یک قدرت هنجاری^۵:

یکی از اولین افرادی که در مورد اروپا به عنوان قدرت هنجاری صحبت کرد ایان منرز^۶ بوده است. وی در سال ۲۰۰۲ در مقاله خود با عنوان «اروپای قدرت هنجاری، تناقضی در واژگان (تناقض‌گویی)»^۷، بحث‌های کاربردی لازم را درباره دیدگاه‌ها، ایده‌ها، ارزش‌ها و اصول اتحادیه آغاز کرد. منرز با طرح اروپای قدرت هنجاری در عرصه روابط بین‌الملل، به این واقعیت اشاره می‌کند که علاوه بر مفهوم سازی‌ها و ادراکات پیشین اتحادیه اروپا، این اتحادیه باید به عنوان یک قدرت هنجاری مطرح و در نظر گرفته شود. بر اساس بند ۲ معاهده لیسبون^۸ و نیز بند ۶ پیمان اتحادیه اروپا^۹:

1. Richard Whitman
2. Chris Bickerton
3. Anna Skolimowska
4. Ekaterina Savorskaya
5. Normative Power Europe(NPE)
6. Ian Manners
7. Normative power Europe: a contradiction in terms?
8. Treaty of Lisbon
9. Treaty on European Union (TEU)

اتحادیه بر اساس ارزش‌های احترام به کرامت انسانی، آزادی، دموکراسی، برابری، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر از جمله حقوق اقلیت‌ها، پایه‌گذاری شده است. این ارزش‌ها برای کشورهای عضو جامعه که در آن تکثرگرایی، عدم تبعیض، بردباری، عدالت، همبستگی و برابری زنان و مردان غالب است، مشترک هستند.

به طور مشابه، استراتژی امنیت اروپا^۱ نیز چنین مطرح می‌کند که طراحی این ارزش‌ها در حوزه خارجی، هسته اصلی هدایت روابط خارجی اتحادیه اروپا است:

گسترش حکمرانی خوب، حمایت از اصلاحات اجتماعی و سیاسی، برخورد با فساد و سوء استفاده از قدرت، ایجاد حاکمیت قانون و حمایت از حقوق بشر، بهترین روش برای تقویت نظم بین‌المللی هستند (Whitman, 2011: 1-2).

منرز در مقاله خود با تاکید بر نقش جدید اتحادیه اروپا در دهه ۹۰ میلادی و چگونگی درک بهتر نقش بین‌المللی این اتحادیه، استدلال می‌کند که "برداشت یا ادراکات از اتحادیه اروپا به عنوان یک قدرت نظامی یا مدنی (غیرنظامی)، که در حوزه مباحث توانمندی‌ها و قابلیت‌ها قرار دارد، باید با تمرکز بر قدرت هنجاری ماهیت اندیشگانی توصیف شده از طریق اصول مشترک و تمایل به بی‌اعتنایی به پیمان‌های وستفالی، تکمیل گردد و اظهار می‌دارد "این به معنی بی‌اهمیتی قدرت مدنی (غیرنظامی) یا قدرت نظامی نوظهور اتحادیه اروپا نیست، بلکه به معنی قابلیت شکل دادن به مفاهیم و ادراکات «عادی/معمول» در روابط بین‌الملل است که نیاز به بذل توجه بیشتری دارند" (Manners, 2002: 238-239).

"منرز یک رویکرد نظری را برای روشی که اتحادیه اروپا محیط بین‌المللی را شکل می‌دهد (ایجاد تغییر در استانداردها و هنجارهای آن) پیشنهاد می‌کند، نه با استفاده از ابزارهای مادی (مانند قدرت نظامی، اقدامات اقتصادی یا قانونی)، بلکه از طریق قدرت جذابیت پروژه اروپایی برای اشخاص/طرف‌های ثالث، رمزگذاری شده با استانداردها، ارزش‌ها، اصول و رویه‌های اروپایی. سیاستی که در چنین چارچوبی نسبت به محیط خارجی انجام می‌شود، هنجاری نامیده می‌شود، یعنی ارتقا استانداردها، ارزش‌ها و اصول پروژه اروپایی در حوزه بین‌المللی با استفاده از ابزارهای سیاسی خاص (اصطلاحاً «ابزارهای نرم»)» (Skolimowska, 2015: 112).

مفهوم قدرت هنجاری، در ایده‌آل یا خالص‌ترین شکل خود، اندیشه‌ای است تا مادی یا فیزیکی. این بدان معناست که استفاده از آن به جای مشوق‌های مادی یا نیروی فیزیکی، مستلزم توجیه هنجاری

1. European Security Strategy (ESS)



است (Manners, 2009: 2). آنچه باعث ترویج قدرت هنجاری اتحادیه اروپا شد، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بود. از سوی دیگر، روند جهانی شدن عامل مهم دیگری بود که تاثیر فزاینده‌ای داشت. "به عبارت دیگر فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، بحث در مورد وضعیت منطقه‌ای و جهانی اتحادیه اروپا را به یک سطح جدید کشاند. در کنار مشکل جنگ و صلح، روند آشکار جهانی شدن، موضوعاتی مانند حقوق بشر، برابری اقتصادی، ارتقا و ترویج دموکراسی، مداخلات بشردوستانه، تغییرات آب و هوایی جهانی و ... را به منصفه ظهور رساند. همه این تغییرات این امکان را برای اتحادیه اروپا فراهم کرد تا حوزه‌های اصلی سیاست خارجی خود را براساس هنجارهای بین‌المللی مندرج در منشور سازمان ملل شناسایی کند و چنین سیاستی را مطابق با هدف حمایت از ارزش‌های دموکراتیک، حمایت و محافظت از حقوق بشر و حصول اطمینان از حکمرانی خوب در سطح جهانی تعقیب نماید. از آن زمان، ایده «قدرت هنجاری» اتحادیه بر مطالعات اروپایی حاکم شده است" (Savorskaya, 2015: 68).

در این راستا، تعریف سیاست خارجی اتحادیه اروپا از نظر هنجاری به این معنی است که قدرت اتحادیه اروپا به هیچ وجه نظامی یا صرفاً اقتصادی نمی‌تواند باشد، بلکه از طریق ایده/انگاره/فکر، عقاید و وجدان کار می‌کند. از این منظر مفاهیم مشابه دیگری نیز برای تعریف و توصیف قدرت اتحادیه اروپا به کار رفته است: شامل قدرت تمدنی یا متمدن‌سازی^۱، ابرقدرت آرام^۲، قدرت اخلاقی^۳، ابرقدرت پسامدرن^۴، قدرت مسئول^۵، میانجی محوشونده^۶، و قدرت ملایم/آرام^۷ است (Whitman, 2011: 3).

به بیانی، از زمان تاسیس، اتحادیه اروپا به عنوان نوعی بازیگر بین‌المللی کاملاً متفاوت مفهوم‌سازی شده و در طی دهه‌ها با عناوینی چون مدنی، نرم، و متاخراً هنجاری در روابط بین‌الملل توصیف گردیده است. متون رسمی اتحادیه اروپا ادعاهای مشابهی در مورد نقش اتحادیه در سیاست‌های جهانی دارند. در واقع از دهه ۱۹۷۰، هنجارها و ارزش‌ها به طور واضح شروع به نفوذ در اسناد و بیانیه‌های سیاست خارجی اروپا کردند (Tocci, 2008: 1). عموماً محققان علاقه‌مند به تحقیق در باره اتحادیه اروپا، مفهوم قدرت هنجاری را در رابطه با موضوعاتی چون تحلیل هویت بین‌المللی اتحادیه اروپا و نقش آفرینی آن،



فصلنامه علمی - پژوهشی
جمعیت ترانس‌الهام اسلامی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۳۰

سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

1. Duchêne 1972 ; Sjursen 2006
2. Moravcsik 2002
3. Aggestam 2008
4. McCormick 2006
5. Mayer and Vogt 2006
6. Nicolaidis 2004
7. Merlini 2001 ; Paddoa-Schioppa 2001



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

سیاست همسایگی اروپا، تجزیه و تحلیل چگونگی صدور اصول و ارزش‌های اروپایی و حفظ صلح بین‌المللی و مدیریت منازعات، در مرکز توجه قرار داده‌اند (skolimowska,2015:120).

منرز پنج هنجار محوری را در شاکله گسترده قوانین و سیاست‌های اتحادیه اروپا شناسایی می‌کند: ۱. صلح، ۲. آزادی، ۳. دموکراسی، ۴. حاکمیت قانون و ۵. احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین. همچنین بر این باور است که افزون بر این هنجارهای اصلی، می‌توان به چهار هنجار کوچک‌تر در حیطه قانون اساسی و شیوه‌های مآخوذه اتحادیه اروپا اشاره کرد، گرچه آنها مورد مباحثه و جدل هستند: اولین هنجار خرد، همبستگی اجتماعی^۱ است، دومین آنها عدم تبعیض^۲ است، سومین مورد توسعه پایدار^۳ و چهارمین هنجار یا متأخرترین آنها، عبارت است از حکمرانی خوب^۴ (Manners,2002: 242-243). منرز مضافاً تأکید می‌کند که این هنجارها به روشنی واجد زمینه‌ای تاریخی هستند، صلح و آزادی خصایص سیاست‌های غرب اروپا در دوره پس از جنگ را تعریف می‌کنند و هنجارهای دموکراسی، حاکمیت قانون و حقوق بشر نیز دیرتر رشد و گسترش یافت، زمانی که تشخیص و تمیز اروپای دموکراتیک غربی از اروپای شرقی کمونیست حائز اهمیت بود (Manners,2002: 243).

جدول ۲: مبانی هنجاری اتحادیه اروپا

اصول تاسیسی	وظایف و اهداف	اصول پایدار	حقوق اساسی
آزادی	همبستگی اجتماعی	تضمین دموکراسی	کرامت
دموکراسی	عدم تبعیض	حاکمیت قانون	آزادی
احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی	توسعه پایدار	حقوق بشر	برابری همبستگی
حاکمیت قانون		حمایت از اقلیت‌ها	شهروندی عدالت
مبتنی بر معاهده - مندرج در ماده/بند ۶ اتحادیه اروپا (TEU)	مبتنی بر معاهده - مندرج در ماده/بند ۲ و ۱۳ معاهده جامعه اروپا (TEC)	معیارهای کپنهاک - مندرج در نتیجه‌گیری ژوئن ۱۹۹۳ شورای اروپایی	منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپایی

(Manners,2002:243)Source:

البته این اصول جدید و خاص اتحادیه اروپا نیستند و مدت‌ها قبل توسط سازمان ملل متحد (سازمان

1. Social Solidarity
2. Nondiscrimination
3. Sustainable Development
4. Good Governance



ملل) به رسمیت شناخته شده‌اند با این حال اتحادیه اروپا آنها را در درون معاهدات خود درونی کرده و گنجانده و شروع به اعمال آنها در روابط خارجی خود کرده است. به همین دلیل تعقیب دموکراسی، حاکمیت قانون، عدالت اجتماعی و حقوق بشر از شالوده‌های اتحادیه اروپا است (Whitman, 2011: 5-6).
منرز در بخش دیگری از مباحث خود، سه مفهوم را برای قدرت هنجاری ارائه می‌دهد: ۱. نظریه هنجاری: اولین معنی قدرت هنجاری، تأکید بر نظریه هنجاری است، یعنی نحوه داوری و توجیه، تصدیق ادعاها، و دعاوی صدق در علوم اجتماعی..... ۲. نوع و شکل هنجاری قدرت: قدرت هنجاری نوعی از قدرت است که بیش از آنکه مادی یا فیزیکی باشد، ایده آل و اندیشه‌ای^۱ است. به عنوان یک شکل هنجاری قدرت، تأکید بر توانایی استفاده از توجیه و تصدیق هنجاری است تا توانایی استفاده از مشوق‌های مادی یا نیروی فیزیکی..... ۳. نوع هنجاری بازیگر: معنی سوم قدرت هنجاری، شخصیت‌پردازی نوعی از بازیگر و هویت بین‌المللی آن است (Manners, 2011: 227-233).
منرز بیان می‌دارد "مفهوم قدرت هنجاری تلاشی است برای پیشنهاد اینکه نه تنها اتحادیه اروپا بر مبنای هنجاری ساخته شده، بلکه مهم این است که این امر آن را مستعد اقدام به روشی هنجاری در سیاست‌های جهانی می‌کند. آنچه معمولاً نادیده گرفته می‌شود این است که مهمترین عامل شکل‌دهنده نقش بین‌المللی اتحادیه اروپا کاری نیست که انجام می‌دهد یا آنچه می‌گوید، بلکه آنچه است که می‌باشد (Manners, 2002: 252).

در باب ماهیت اروپای قدرت هنجاری، ویتمن (۲۰۱۱) در پاسخ به این پرسش که ماهیت یا ذات این موجودیت هنجاری چیست می‌گوید: "مطابق با نظر منرز، قدرت هنجاری اتحادیه اروپا از سه منبع مشتق می‌شود: زمینه تاریخی (میراث دو جنگ جهانی مخرب)، سیاست ترکیبی (ویژگی‌های اتحادیه به عنوان یک نظم پساوستفالیایی با نهادهای فراملی و بین‌المللی) و قانون (اساسی) گرای سیاسی - حقوقی (ماهیت حقوقی مبتنی بر پیمان و نخبه‌محور اتحادیه اروپا). این سه ویژگی اتحادیه کمک کرد تا اصول مشترک کشورهای عضو تحت همان چارچوب قرار گیرد و تعهد به اصول و هنجارها در سطوح ملی و فراملی تسهیل گردد. این اصول و ارزش‌های مشترک، باعث گردید اتحادیه اروپا به عنوان یک موجودیت سیاسی هنجارهای صلح، ایده آزادی، دموکراسی، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر را در مرکز روابط خود با سایر جهان قرار دهد. اتحادیه اروپا قدرت و «مشروعیت عالی» خود را بر اساس این هنجارهای اساسی و بنیادی بنا می‌کند" (Whitman, 2011: 5).

1. Ideational



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام
مجموعه‌ای از نشریات علمی
انجمن مطالعات جهان اسلام

۳۳

پیشین رفتار اتحادیه اروپا در قبال برجام

همچنین باید گفت حضور هنجاری اتحادیه اروپا در روابط بین‌الملل نمایانگر قدرت اتحادیه اروپا برای اعمال نفوذ در محیط خارجی با استفاده از قدرت غیرنظامی است به صورتی که ارزش‌های اروپا برای طرف‌های مقابل جذاب و قانع‌کننده شناخته شود و در این شرایط می‌توان گفت روابط متقابل موجودیت‌های سیاسی نهادینه می‌شود، لذا گفتگوی سیاسی در مورد شرایط همکاری بین آنها میسر است. به این طریق، ارزش‌های اروپا از طریق اعمال سیاست‌های خود در قالب‌هایی چون کمک‌های توسعه‌ای یا تجارت، عملیاتی شده و ارتقا می‌یابد، هرچند که از گفتگوهای سیاسی به عنوان مهم‌ترین کانال انتقال هنجارهای اروپایی یاد شده است که بایستی در اشکالی چون توافق‌نامه، سیاست همسایگی اروپا یا مشارکت‌های استراتژیک صورت گرفته و نهادینه گردد (Skolimowska, ۲۰۱۵: ۱۱۸).

به بیان تلو، "سیاست خارجی اتحادیه اروپا تغییر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی طرف‌های ثالث را از طریق ابزارهای آرام و اصلی و مبتکرانه (روش‌های دیپلماتیک، توافق‌نامه‌ها/موافقت‌نامه‌ها، تحریم‌ها و غیره)" در بلندمدت و میانه، نشانه گرفته است (Whitman, ۲۰۱۱: ۷). بیکرتن (۲۰۱۱) اتحادیه اروپا را "به عنوان یک بازیگر هنجاری از طریق منشور مفهومی مشروعیت تجزیه و تحلیل نموده و بیان می‌دارد "مفهوم «قدرت هنجاری» می‌تواند به عنوان بخشی از تلاش گسترده‌تر برای یافتن منبع روشن مشروعیت سیاست خارجی اتحادیه اروپا در کنار انبوه صفت‌های واجد شرایط مشابه مانند «غیرنظامی»، «پست مدرن» و اخلاقی درک شود (Bickerton, ۲۰۱۱: ۲۵). همچنین "اتحادیه اروپا باید براساس «آنچه هست» به جای «آنچه انجام می‌دهد یا می‌گوید» مورد مطالعه قرار گیرد" (Whitman, ۲۰۱۱: ۱).

در مجموع می‌توان گفت هنجارهای یاد شده اتحادیه اروپا که همگی همسو با اسناد رسمی این اتحادیه است، مبانی هنجاری اتحادیه اروپا هستند که بر اساس آنها شکل گرفته و قوام یافته، رفتارهای اروپا را جهت می‌دهد و بر رویکردها و استراتژی‌های ماخوذه تاثیرگذار است. از این رو است که منرز مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده به هویت و نقش بین‌المللی اتحادیه اروپا را ماهیت و حقیقت وجودی آن می‌داند نه کنش و گفتمان این بازیگر؛ و تصریح می‌کند که معرفی اتحادیه اروپا به عنوان یک قدرت هنجاری، دارای یک کیفیت و خصیصه هستی‌شناختی است به نوعی که این اتحادیه می‌تواند به مثابه تغییردهنده هنجارها در نظام بین‌الملل در ابعاد و مقیاس مثبت ادراک شود و با کیفیتی هنجاری برای تغییر هنجارها در نظام بین‌الملل عمل نماید و به گسترش هنجارهای خود در نظام بین‌المللی اقدام کند (Manners, ۲۰۰۲: ۲۵۲).

مروری بر روابط اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران:

روابط اتحادیه اروپا^۱ و ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تا کنون فاقد یک ریتم و سیر ثابت بوده و نوساناتی را بنا به مقتضیات زمانی و تاثیرگذاری متغیرهای داخلی و خارجی به خود دیده است. در مورد اینکه از ابتدای دهه ۱۹۹۰ روابط اتحادیه اروپا با ایران در مسیر بهبود قرار گرفت (Struwe, 1998; Ali, 2018; Coville, 2014)، معمولاً بین تحلیل‌گران و پژوهش‌گران اتفاق نظر وجود دارد. در پرتو مناسبات بین ایران و اروپا، در اواسط دهه ۱۹۹۰ روابط اقتصادی بین آنها به‌ویژه روابط تجاری با آلمان، فرانسه، انگلیس و ایتالیا افزایش یافت (Rakel, 2008: 191-192). در مجموع دولت جدید ایران و سیاست‌های مآخوذه و برخی اقدامات متعاقب، مورد استقبال و تفسیر مثبت جامعه بین‌المللی قرار گرفت (Struwe, 1998: 15-16).

در این دوره آنچه برای طرفین ارجحیت داشت، یافتن یک نقطه مشترک مبتنی بر منافع متقابل با تاکید بر نقاط اختلاف و افتراق بود. تمایل ایران به بازسازی اقتصاد خود بعد از اتمام جنگ با عراق و نیز عادی‌سازی روابط با غرب در پرتو رویکرد عملگرایانه اکبر هاشمی رفسنجانی از یک سو و تمایل اتحادیه اروپا به ارتباط با ایران به دلیل اهمیت استراتژیک و اقتصادی این کشور از سوی دیگر، باعث رقم خوردن این روابط از سوی طرف اروپایی در شکل «گفتگوی انتقادی»^۲ با امکان بحث و گفتگو در مورد موضوعات حساسی چون نقض حقوق بشر، تروریسم یا مخالفت با روند صلح خاورمیانه گردید (Coville, 2014). به بیان دیگر، به دلیل وجود برخی موضوعات و تنش‌های مابین ایران و غرب، تعامل طرف‌ها تحت عنوان «گفتگوی انتقادی» متولد شد (McCloskey, 2019: 6).

گفتگوی انتقادی، اولین ابتکار منسجم این اتحادیه ناشی از ترجیح کاربست دیپلماسی و تعامل به جای اعمال فشار بر ایران بود که ایده سودمندی استفاده از قدرت نرم به عنوان ابزاری مؤثرتر برای غلبه بر مشکلات ایجاد شده در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران را بیان می‌نمود. لذا در پرتو این نگاه، اتحادیه اروپا با تداوم گفتگوهای انتقادی که بر خلاف استراتژی مهار دوجانبه/دوگانه^۳ آمریکا در سال ۱۹۹۳ (Fiedler, 2017: 17; Ali, 2018: 54) بود، عدم استقبال و پذیرش خود را از آن نشان داد.

در دوره ریاست جمهوری خاتمی، فراخوان او برای «گفتگوی تمدن‌ها» بسترساز تعمیق روابط اقتصادی و دیپلماتیک ایران با اتحادیه اروپا گردید (Rakel, 2008: 195&197). به این ترتیب مرحله



فصلنامه علمی - پژوهشی
جمعیت نرست‌العلم الاسلامی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۳۴

سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

۱. European Union برای مطالعه بیشتر در مورد اتحادیه اروپا ن.ک: https://europa.eu/european-union/about-eu_en

2. Critical Dialogue

3. Dual Containment Policy



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌های اسلامی
انجمن مطالعات جهان اسلام

نوینی از روابط بین‌الملل ایران به ویژه با اتحادیه اروپا با نام جدید گفتگوی «سازنده» (یا جامع)^۱ آغاز شد (Reissner, 2006: 117). تصمیم اتحادیه اروپا به اصلاح گفتگوی انتقادی پیشین و شروع یک گفت‌وگوی فراگیر جدید، با افزایش دامنه موضوعات مورد بحث طرف‌ها همراه بود که حقوق بشر و مسائل مربوط به منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در دستور کار بالاتری قرار داده شده بود (Posch, 2016). سرانجام، در ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۲ (۲۷ خرداد ۱۳۸۱) در لوکزامبورگ، سران اتحادیه اروپا در مورد آغاز مذاکرات توافقنامه همکاری و تجارت با ایران (TCA) به موازات مذاکرات سیاسی به توافق رسیدند، هرچند که اتحادیه اروپا در این مقطع زمانی، نگرانی یا سیاست ویژه‌ای در رابطه با موضوع هسته‌ای ایران به عنوان تهدیدی برای صلح و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی نداشت (Ali, 2018: 70-72).

مسئله هسته‌ای ایران:

در حالیکه در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۲ (۲۱ آذر ۱۳۸۱) مذاکرات رسمی بین اتحادیه اروپا و ایران در مورد توافقنامه همکاری و تجارت با ایران در بروکسل آغاز شده بود (Ali, 2018: 72 & 169)، ادعای فعالیت‌های مخفی هسته‌ای در ایران در ۱۴ آگوست ۲۰۰۲ (۲۳ مرداد ۱۳۸۱) از سوی یکی از اعضای شاخه سیاسی منافقین (Gerami and Goldschmidt, 2012: 1)، عدم موفقیت مذاکرات و تعلیق گفتگوی جامع رارقم زد و با تبدیل شدن به نگرانی جدی اتحادیه اروپا، باعث جابجایی تمرکز این اتحادیه از سایر موضوعات به موضوع هسته‌ای ایران و اولویت یافتن آن بر سایر مباحث شد (Ali, 2018: 73-74)، به عبارتی "موضوع هسته‌ای بر مذاکرات سیاسی دو طرف غالب شد" (Coville, 2014)، و به یکی از عناصر اصلی سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال ایران تبدیل گردید، در حالیکه با اختلاف فرآیند انتیکی در مورد چگونگی حل و فصل اختلافات هسته‌ای ایران (گزینه تحریم در مقابل گزینه تعامل دیپلماتیک) همراه بود (Ali, 2018: 77-78).

با ادعای عدم اطلاع‌رسانی ایران در مورد اقدامات خود به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اتحادیه اروپا برای نخستین بار مستقیماً در این موضوع ورود پیدا کرد و در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۳ (۲۶ خرداد ۱۳۸۲) در اجلاس لوکزامبورگ به عنوان نتایج نشست شورای روابط خارجی^۲ اتحادیه، خواستار آن شد که ایران فوراً و بدون قید و شرط نسبت به امضای پروتکل الحاقی و همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اقدام نماید (Council of the European Union, 2003). همچنین بنا به تصمیم اتحادیه اروپا، مذاکرات

1. Constructive (Or Comprehensive)

۲. برای مطالعه بیشتر ن.ک: https://ec.europa.eu/commission/presscorner/detail/ro/PRES_03_166

توافقنامه تجارت و همکاری با ایران به دلیل نگرانی‌های این اتحادیه از فعالیت‌های هسته‌ای ایران تعلیق گردید (Kile, 2005: 108).

در پرتو این شرایط بود که موضوعی مشترک برای همکاری‌های اتحادیه اروپا با آمریکا تحت عنوان برنامه هسته‌ای ایران رقم خورد. از این مقطع زمانی، قطعنامه‌های متعدد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران صادر گردید که با حمایت اتحادیه اروپا همراه بود. از سوی دیگر، در پی جلسات و ملاقات‌های وزرای امور خارجه انگلیس، فرانسه و آلمان با مقامات تهران به منظور بحث و تبادل نظر پیرامون فعالیت‌های هسته‌ای، بیانیه سعدآباد در ۲۹ مهر ۱۳۸۲ (۲۱ اکتبر ۲۰۰۳) در تهران، و همچنین توافق‌نامه بروکسل در ۲۳ فوریه ۲۰۰۴ (۴ اسفند ۱۳۸۲) (Hunter, 2010:90) و متقابلاً «توافقنامه پاریس»^۱ در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۴ (۲۵ آبان ۱۳۸۳) در مورد برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، بین تروئیکای اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان)^۲ با حمایت نماینده عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجی و امور امنیتی و دولت ایران به امضا رسید (IAEA Information Circular, 2004). «توافقنامه پاریس نقطه عطف مهمی در اثبات اثربخشی دیپلماسی مشترک اتحادیه اروپا بود» (Posch, 2016).

نکته حایز اهمیت اینکه به به نقل از یکی از مقامات ارشد اتحادیه اروپا، اجماع عمومی در مورد لزوم حل «دیپلماتیک» مسئله هسته‌ای ایران در اتحادیه اروپا وجود داشت. در واقع مذاکرات سعادت‌آباد، نقطه آغازینی برای ابتکار عمل دیپلماتیک اتحادیه اروپا در موضوع هسته‌ای ایران بود. در پرده نخست در اکتبر ۲۰۰۳، حضور فعال تروئیکای اروپایی جلوه‌گر شد و در پرده بعد، با همراهی نماینده عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجی و امور امنیتی تبدیل به ابتکار عمل اتحادیه اروپا شد و پا به صفحه مذاکرات گذاشت (Ali, 2018: 83 and 89). فرمول نهایی که به اصلی‌ترین ابزار سیاست اتحادیه اروپا در تلاش‌های خود برای تعامل با ایران تبدیل گردید (Posch, 2006: 103).

در دسامبر ۲۰۰۴ (آذر ۱۳۸۳) مذاکرات سه کشور اروپایی با ایران برای دستیابی به توافق دائمی درباره برنامه هسته‌ای ایران آغاز شد. در ۱۲ ژانویه ۲۰۰۵ (۲۳ دی ۱۳۸۳) نیز، اتحادیه اروپا مذاکرات مربوط به توافقنامه تجارت و همکاری با ایران را - که در ژوئن ۲۰۰۳ (خرداد ۱۳۸۲) به حال تعلیق درآورده بود- از سر گرفت (Kile, 2005: 16 & 108).

بحران هسته‌ای با تصمیم محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور منتخب جدید در سال ۲۰۰۵ در خصوص شروع مجدد برنامه غنی‌سازی اورانیوم، شتاب و حرکت جدیدی گرفت (Coville, 2014) و

1. Paris Agreement
2. E3



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعیت نرسانت‌العلم الاسلامی

۳۶

سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

در نهایت ایران غنی‌سازی اورانیوم را در آگوست ۲۰۰۵ (مرداد ۱۳۸۴) با هدایت او در مقام رئیس‌جمهور از سر گرفت (Kerr, 2020: 8). و به این شکل توافقنامه پاریس باطل شد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز قطعنامه‌ای را در ۴ فوریه ۲۰۰۶ (۱۵ بهمن ۱۳۸۴) به تصویب رساند و از این طریق پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع داده شد (IAEA Board of Governors, 2006). بعد از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۰۶، مناقشه در خصوص موضوع هسته‌ای ایران ابعاد تازه‌ای یافت، یا به بیان راکل (۲۰۰۸: ۲۰۰) به «موضوعی بین‌المللی» تبدیل گردید. اما «اتحادیه اروپا به رهبری خود در تلاش برای متقاعد کردن تهران برای همکاری با جامعه بین‌المللی ادامه داد» (Posch, 2016).

از این زمان به بعد، شورای امنیت سازمان ملل هفت قطعنامه در خصوص برنامه هسته‌ای ایران به تصویب رساند که محدودیت‌ها و تحریم‌هایی را علیه ایران وضع می‌نمود: قطعنامه ۱۶۹۶ (جولای ۲۰۰۶)، قطعنامه ۱۷۳۷ (دسامبر ۲۰۰۶)، قطعنامه ۱۷۴۷ (مارچ ۲۰۰۷)، قطعنامه ۱۸۰۳ (مارچ ۲۰۰۸)، قطعنامه ۱۸۳۵ (سپتامبر ۲۰۰۸)، قطعنامه ۱۹۲۹ (ژوئن ۲۰۱۰) و قطعنامه ۲۲۲۴ (ژوئن ۲۰۱۵) (UNSC, 2020). شورای اتحادیه اروپا هم با اتخاذ موضعی مشترک به این جمع‌بندی رسید که در صورت عدم اقدام ایران در انجام موارد و تعهدات درخواستی، ضمن حفظ پیشنهاد مذاکره، اقدامات قدرتمند دیگری را در همراهی و پشتیبانی از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل به انجام می‌رساند که نهایتاً هم به شکل تحریم‌های یک‌جانبه اتحادیه اروپا در قبال ایران مورد تصویب قرار گرفت و اعمال شد (Council of the European Union, 2010a, 2010b, 2011a, 2011b, 2012a, 2012b, 2012c). به طور کلی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ اتحادیه اروپا تحریم‌های شدیدی را علیه ایران در تطابق و پایبندی به قطعنامه‌های سازمان ملل وضع و اعمال کرد.

روابط ایران و اتحادیه اروپا در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی:

بعد از پیروزی روحانی در انتخابات ریاست جمهوری ژوئن ۲۰۱۳ (خرداد ۱۳۹۲)، «اولین دور از مذاکرات اتمی ایران و ۵+۱ در این دوره به میزبانی مقر اروپایی سازمان ملل در ژنو در ۱۵ و ۱۶ اکتبر ۲۰۱۳ (۲۳ و ۲۴ مهر ۱۳۹۲) برگزار شد. سپس بعد از مذاکرات بین ایران و گروه ۵+۱ در ۷ نوامبر ۲۰۱۳ (۱۶ آبان ۱۳۹۲) در مقر اروپایی سازمان ملل در ژنو، در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ (۳ آذر ۱۳۹۲) ایران



و گروه ۵+۱ پس از پنج روز مذاکره به «توافق موقت ژنو در مورد برنامه هسته‌ای ایران»^۱ دست یافتند که از آن با عنوان برنامه اقدام مشترک^۲ یا توافق هسته‌ای ژنو هم یاد می‌شود. بر اساس این توافق، هدف از این مذاکرات رسیدن به یک «راه حل جامع بلند مدت مورد توافق دو طرف» بود که تضمین کند برنامه هسته‌ای ایران منحصراً صلح‌آمیز خواهد بود (Joint Plan of Action, 2013).

متعاقباً، پس از چندین دور مذاکرات متعدد و طولانی بین طرف‌ها در سال‌های ۲۰۱۳ (۱۳۹۲) تا ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) (مذاکرات موسوم وین، مذاکرات مسقط، مذاکرات ژنو، مذاکرات لوزان)، «شانزدهمین» دور از مذاکرات (موسوم به لوزان ۲) از ۲۶ مارس تا ۲ آوریل ۲۰۱۵ (۵ تا ۱۳ فروردین ۱۳۹۴) در لوزان - سوئیس برگزار گردید که در نهایتاً به صدور «بیانیه مشترک^۳» نماینده عالی اتحادیه اروپا فدریکا موگرینی و وزیر امور خارجه ایران جواد ظریف در تاریخ ۲ آوریل ۲۰۱۵ (۱۳ فروردین ۱۳۹۴) انجامید (Mogherini and Zarif, 2015a). پس از حصول تفاهم لوزان، چندین دور گفت‌وگوهای هسته‌ای میان ایران و اعضای گروه ۵+۱ در «وین» در بازه زمانی آوریل تا ژوئن ۲۰۱۵ (اردیبهشت تا تیر ۱۳۹۴) به منظور نگارش متن توافق جامع هسته‌ای برگزار گردید. سرانجام، مذاکره‌کنندگان ایران و گروه ۵+۱ در تاریخ ۱۴ جولای ۲۰۱۵ (۲۳ تیر ۱۳۹۴) در وین، به یک توافق نهایی و جامع درباره برنامه هسته‌ای تحت عنوان «برنامه جامع اقدام مشترک»^۴ - که به اختصار برجام خوانده می‌شود - دست یافتند که طی بیانیه‌ای مشترکی اعلام گردید (Mogherini and Zarif, 2015b).

متعاقباً، در ۲۰ جولای ۲۰۱۵ (۲۹ تیر ۱۳۹۴) شورای امنیت سازمان ملل متحد در نشست ۷۴۸۸ خود، قطعنامه ۲۲۳۱ را با اکثریت قاطع (۱۵ رای مثبت) به تصویب رساند که توافق هسته‌ای را تایید می‌نمود و تمامی مفاد قطعنامه‌های پیشین این شورا^۵ و تحریم‌های اعمالی علیه ایران بر اساس آنها را لغو می‌کرد. همچنین کشورهای عضو سازمان ملل متحد را موظف به اجرای کامل همه مفاد مورد توافق برجام نمود (UNSC Resolution 2231, 2015). شورای اتحادیه اروپا نیز ضمن استقبال از برنامه جامع اقدام مشترک و تایید آن، تعهد خود را نسبت به پیروی از این توافق و عملیاتی کردن برنامه اجرایی توافق شده و نیز حمایت کامل از قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام نمود (Council

1. Geneva interim agreement on Iranian nuclear program
2. Joint Plan of Action
3. Joint Statement
4. Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)

۵. قطعنامه‌های ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸)، ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) و ۲۲۲۴ (۲۰۱۵)

(of the EU, 2015). شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵ (۲۴ آذر ۱۳۹۴) قطعنامه پیشنهادی کشورهای عضو گروه ۵+۱ را تصویب نمود و همچنین قطعنامه‌های پیشین این شورا (۱۲ قطعنامه مصوب آژانس از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲) را لغو نمود. (IAEA Board of Governors, 2015)

سرانجام، پس از رای‌های گزارش مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ (۲۶ دی ۱۳۹۴) به شورای حکام آژانس و شورای امنیت سازمان ملل متحد مبنی بر تأیید انجام تعهدات ایران و پایبندی به آنها مطابق با توافق هسته‌ای یا همان برنامه جامع اقدام مشترک (IAEA Director General, Statement on Iran, 2016)، جواد ظریف وزیر خارجه ایران و فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، اجرای رسمی برجام و رفع تحریم‌های بین‌المللی علیه برنامه هسته‌ای ایران را طی بیانیه مشترکی در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ (۲۶ دی ۱۳۹۴) اعلام نمودند (Mogherini and Zarif, 2016). به این ترتیب برجام وارد مرحله اجرایی‌سازی گردید، اما بر خلاف انتظارات، این پایان ماجرای هسته‌ای ایران نبود به طوری که بعد از اعلام خروج رسمی آمریکا از توافق هسته‌ای و بازگشت‌های تحریم‌های این کشور علیه ایران در تاریخ ۸ می ۲۰۱۸ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷)، اجرای برجام و تعهدات مندرج در آن در ورطه‌ای از سوالات، بی‌سرانجامی و موانع اجرایی غوطه‌ور بوده است. این خروج یک جانبه آمریکا، نه تنها از سوی ایران بلکه از سوی سایر اعضای گروه ۵+۱ و بسیاری از اعضای جامعه بین‌المللی نیز محکوم شد.

تبیین منطق رفتاری اتحادیه اروپا در قبال برجام:

مطالعات و پژوهش‌های مربوط به پیشینه روابط ایران و اروپا نشان داده است که حوزه‌های مورد تأکید و محل مناقشه ایران و اروپا عمدتاً تروریسم و حقوق بشر بوده است و مساله هسته‌ای متاخر محسوب می‌شود. با این حال، تلاش اتحادیه اروپا در تأکید بر خطر دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، موضوعی است که در دایره اهمیت و حساسیت امنیت بین‌الملل از منظر اتحادیه اروپا، قابل ارزیابی و مذاقه است. اتحادیه اروپا پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، تلاش نمود در مقابل یک جانبه‌گرایی

1. Resolutions: GOV/2003/69 (12 September 2003), GOV/2003/81 (26 November 2003), GOV/2004/21 (13 March 2004), GOV/2004/49 (18 June 2004), GOV/2004/79 (18 September 2004), GOV/2004/90 (29 November 2004), GOV/2005/64 (11 August 2005), GOV/2005/77 (24 September 2005), GOV/2006/14 (4 February 2006), GOV/2009/82 (27 November 2009), GOV/2011/69 (18 November 2011) and GOV/2012/50 (13 September 2012)



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
مجموعه‌ای برای مطالعه و پژوهش
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادین اسلام

آمریکا در خاورمیانه، قدم‌های موثر و خنثی‌کننده‌ای بردارد. لذا این اتحادیه با گزینش نقش پیشگیرانه در جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای عمل نمود و در نهایت با هماهنگی و همکاری آمریکا در صدد رسیدن به راه حلی دیپلماتیک برای بحران هسته‌ای ایران برآمد. هرچند موضع اتحادیه اروپا در مورد برنامه هسته‌ای ایران با ایالات متحده تفاوتی نداشته است، با این حال اروپاییان سال‌ها در پی یافتن راهی صلح‌آمیز برای موضوع برنامه هسته‌ای ایران پیش قدم بوده و همواره رویکرد تعاملی را برگزیده‌اند و با اینکه در مقطعی با آمریکا در خصوص تحریم‌های هسته‌ای ایران همدل و هم‌گام بوده‌اند، اما کوشیده‌اند موضع مستقل خود را مبنی بر دوری گزیدن از گزینه‌های جنگ و تقابل نظامی حفظ کنند. به عبارتی ارجحیت و تفوق استفاده از دیپلماسی و مذاکرات بر استفاده از قدرت نظامی همواره مشهود بوده است؛ چنانچه ارزش‌ها و هنجارهای اتحادیه اروپا نیز به عنوان نیروی پیشران همین فرمان را می‌دهد. از سوی دیگر، تلاش برای یافتن راه حلی دیپلماتیک برای اختلاف در مورد برنامه هسته‌ای ایران نیز جدی‌ترین و چشمگیرترین اقدام اتحادیه اروپا در زمینه پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بوده است. به بیان دیگر، مذاکرات هسته‌ای ایران به مثابه فرصت و مواجهه‌ای نرم و مستقیم برای اتحادیه اروپا بود تا نیرویشان را بیازمایند و ضعف‌هایشان آشکار شود.

حتی در دوره گفت‌وگوهای انتقادی نیز اتحادیه اروپا بر این باور بود که تحریم ایران باعث کاهش پتانسیل تغییرات رفتاری این کشور می‌شود و تا زمانی که ایران تهدیدی جدی برای امنیت بین‌المللی در نظر گرفته نمی‌شد، اتحادیه اروپا هیچ مشروعیتی برای اعمال تحریم‌ها علیه ایران قائل نبوده است. همچنین استدلال شده است که بیشتر کشورهای عضو اتحادیه اروپا به خاطر برخی اهداف هنجاری یا به دلیل همکاری فرآتلاتنتیکی، آمادگی قربانی کردن منافع تجاری و اقتصادی خود را نداشتند، لذا در این مقطع زمانی در تعامل با ایران، از اهرم اقتصادی به عنوان شرطی برای بهبود رفتار ایران در رابطه با موضوعات مورد نگرانی اتحادیه اروپا استفاده نکردند (Ali, 2018:4 & 55-64). اما در مورد دوره پس از شروع بحران هسته‌ای چنین استدلال شده است که کشورهای عضو اتحادیه اروپا در ابتدا سیاست مذاکره بدون تهدید به تحریم اقتصادی را اعلام کردند (Ali, 2018: 81-82) و پس از آن آشکارا آماده بودند تا منافع فوری اقتصادی خود را عمدتاً برای تقویت سیاست خارجی و امنیتی مشترک^۱ اتحادیه اروپا و تقویت دست‌ این اتحادیه در مذاکرات با ایران و همچنین توانمندسازی این اتحادیه برای مقابله موثر با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی^۲ به عنوان يك بازیگر جهانی، قربانی کنند (Ali, 2018:126-127).

1. CFSP
2. WMD

لذا از سال ۲۰۰۶ سه کشور اروپایی در راستای همسویی با موضع آمریکا دال بر رویکرد تنبیهی در قبال ایران گام برداشتند (Fiedler, 2017: 21-20)، از سال ۲۰۱۰ نیز افزون بر تحریم‌های شورای امنیت (و آمریکا)، تحریم‌هایی نیز به صورت جداگانه از سوی اتحادیه اروپا علیه ایران تصویب و اعمال شد. از سوی دیگر باید اذعان داشت، اتحادیه اروپا طی سال‌های اخیر با چالش‌ها و بعضاً با ابرچالش‌های متنوعی مانند تروریسم و افراط‌گرایی، بحران مهاجرت و پناهندگان، برخی تمایلات واگرایی در داخل اتحادیه، رکود اقتصادی و غیره مواجه بوده است. خاورمیانه نیز یکی از حوزه‌هایی است که جایگاه قابل اعتنایی را نزد اتحادیه اروپا دارا است زیرا ایجاد ثبات و امنیت در محیطی که مولد و مقوم تروریسم و افراط‌گرایی است، ضروری است و می‌تواند مانع صدور این بحران‌ها و نتایج و عواقب آنها به گستره جغرافیایی اتحادیه اروپا باشد. لذا این امر یکی از مواردی است که در کانون اهمیت و توجه سیاست خارجی و امنیتی این اتحادیه قرار دارد. در این راستا، اتحادیه اروپا رویکردها و راهبردهایی را برای هر یک از محورهای موضوعی یاد شده تعریف و دنبال نموده است که تشخیص خاصی به سیمای هویتی و وجه ماهوی این اتحادیه بخشیده و سمت‌وسوی آن را در حوزه عمل و نظر (کنشگری و گفتمانی) ممتاز کرده است؛ امری که به باور این پژوهش متاثر از هویت هنجاری این اتحادیه و وام‌دار مولفه‌ها و اصول محوری آن است.

در این راستا این اتحادیه با بهره‌گیری از سیاست خارجی هنجارگرای خود، ظرفیت ایران را از یک تهدید به یک فرصت تبدیل کرد؛ امری که تابعی از نقش‌آفرینی قدرتمند ملاحظات و انگاره‌های هنجاری، معنایی و ارزشی در سیاست خارجی این اتحادیه بوده است. تا جایی که می‌توان گفت اعلام وحدت نظری و عملی اتحادیه اروپا با آمریکا در اتخاذ دیپلماسی تحریم علیه ایران نیز، به دلیل باورمندی این اتحادیه به مزایای ناشی از آن در مقابل گزینه جنگ و تقابل نظامی بوده و بازتابی از گستره معنایی-هنجاری سیاست خارجی و امنیتی این اتحادیه است. مضافاً باید اذعان نمود که پیشینه رویکرد اتحادیه اروپا در مذاکرات با ایران نشان می‌دهد که آنها معمولاً قائل به تفکیک موضوعات مذاکرات اقتصادی با مذاکرات سیاسی و فاکتورهای معرف آن (مشمول بر سازه‌های هنجاری) نبوده و به صورت منفک موضوعات تجاری و اقتصادی را در دستورالعمل خود قرار نداده‌اند.

همچنین، چنین استنباط می‌شود که اتحادیه اروپا که به دلیل ماهیت غیردولتی متفاوت خود یک بازیگر بین‌المللی هنجاری است، در برخورد با موضوع هسته‌ای ایران تلاش نموده رفتار و رویکرد هنجاری داشته باشد؛ همان‌گونه که به طور مثال در موضوعاتی چون مهاجرت بر اساس هنجارهای ویژه



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام
مجموعه‌ای در راستای تعالیم اسلامی

خود عمل کرده یا در سیاست همسایگی خود بر اساس اصول هنجاری مدون رفتار نموده است. لذا برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) نیز که به یک رژیم هنجاری در حوزه هسته ای شباهت دارد بیشتر نمایانگر تلاش هنجاری اتحادیه اروپاست. همچنین اتحادیه اروپا، مترصد بوده است دایره شمول مذاکره تا تعامل با ایران را به فراتراز حوزه هسته‌ای بکشاند و در آتیه موضوعاتی چون حقوق بشر، تروریسم و موضوعات منطقه‌ای را در دستور کار مذاکرات و همکاری‌ها قرار دهد. هرچند نباید فراموش کرد این بازیگر بین‌المللی هنجاری، در همه مقاطع زمانی و در مورد همه واحدهای سیاسی مختلف، سیاست خارجی کاملاً هنجاری ثابتی را پیشه نکرده است و رویکردهای آن به تناسب سوژه و زمان، وضعیت مند بوده است.

از این منظر در بطن برجام پتانسیل عمیقی نهفته است که در حوزه رفتارشناسی اتحادیه اروپا نسبت به آن، نقش کلیدی دارد. به طوری که می‌توان اظهار داشت اتحادیه اروپا به برجام به مثابه هنجاری برای تغییر رفتار ایران نگریسته و می‌نگرد. به عبارتی، برجام نوعی از رژیم هنجاری است و مشتمل بر باید و نبایدهایی است که تنظیم‌کننده رفتار ایران در حوزه هسته‌ای است. همچنین مطالعه سیاست خارجی اتحادیه اروپا حاکی از این است که در حوزه‌هایی که اروپا با تهدیدی مواجه بوده، برای خنثی‌سازی آن از سیاست هنجاری استفاده کرده است. لذا می‌توان چنین گفت که در مورد ایران هم از برجام به عنوان ابزاری هنجاری استفاده نموده و با رفتار هنجارگرایانه درصدد تغییر رفتار ایران است.

همچنین، در پی خروج آمریکا از توافق هسته‌ای و اعمال تحریم‌ها علیه ایران، شاهد برخی رفتارهای این کشور مانند اعمال سیاست فشار حداکثری با هدف تسلیم ایران و کشاندن آن به میز مذاکره مجدد یا تلاش برای اعمال مکانیزم ماشه از طریق شورای امنیت سازمان ملل و مجبور کردن کشورهای دیگر و ایران به مذاکره درباره توافقی جدید بوده‌ایم. ایران نیز متقابلاً با تهدید بر ترک برجام در صورت تداوم تحریم‌ها و نقض برجام، واکنش نشان داده که به صورت گام‌های تدریجی در کاهش تعهدات برجامی خود نمایان شده است. آنچه در این موضوع شایان توجه است اینکه ایران با تأکید بر خروج خود از برجام در صورت عدم بازگشت اروپا و آمریکا به تمامی تعهدات برجامی‌شان، درصدد است توجه اتحادیه اروپا را به خود جلب کند، با این استدلال که هر رفتار پرخاش‌گرایانه‌ای لزوماً با هدف پرخاش و رویکرد تهاجمی نیست بلکه گاهی به خاطر جلب توجه طرفین ذینفع به موضوع است. لذا ایران انگشت خود را روی موضوع حساس و حائز اهمیت برای تمامی طرف‌ها گذاشته است که نشانگر دوری جستن این کشور از موضع منفعلانه و یا تابع است.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعه تر است العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۴۲

سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

از سوی دیگر، استفاده از نگرانی‌های امنیتی مکانیزم دیگری است که با هدف تحریک اتحادیه اروپا به تسهیل روند اجرایی شدن برجام مورد توجه قرار گرفته است. چرا که ارزش‌های هنجاری که ابزار اصلی اتحادیه اروپا و مکانیزم صلح است، همه در خدمت امنیت اتحادیه اروپا هستند مانند گفت‌وگوها در خصوص حقوق بشر و مواد مخدر. جنبه هنجاری سیاست خارجی اتحادیه اروپا از اهمیت فزاینده‌ای در جهان معاصر برخوردار است و موضوعاتی را مورد تأکید قرار می‌دهد (مانند حقوق بشر) که وزنه مهمی به حساب می‌آیند. طبق گفته منرز، حوادث پس از ۱۱ سپتامبر و جنگ عراق بحث‌های اتحادیه اروپا را به سمت یک چارچوب امنیتی محور سوق داده است که با «قدرت نظامی» و رشد صنعت نظامی مستقر در بروکسل مشخص شده است (Whitman, 2011: 12).

در موضوع اختلاف بین ایران و آمریکا در موضوع برجام، اتحادیه اروپا در مقابل دو قطبی قرار گرفته که هر یک منافع جداگانه‌ای را برای آن رقم می‌زند؛ از یک سوی روابط سیاسی و تجاری گسترده و غیر قابل چشم‌پوشی با آمریکا و از سوی دیگر دغدغه‌های امنیتی مرتبط با توافق با ایران؛ اما بر فراز هر دو این قطب‌ها نیز هنجارهای اروپایی سایه افکننده است، لذا در تحلیل رفتار اروپا باید این شکاف را مورد توجه قرار داد و بر آن تأکید کرد. از سوی دیگر تمایل اتحادیه اروپا به ایفای نقش مستقل از آمریکا در مناطق موضوعی است که بر اساس مطالعات صورت گرفته قرابت بسیار نزدیکی با موضوع مورد تحلیل این نوشتار دارد. هر چند که شکاف معنایی - عقیدتی و عملی بین آمریکا و اتحادیه اروپا در خصوص ایران در دوره اول وجود داشت که عملکرد یا خروجی اروپا را تحت الشعاع قرار داد. اما سرانجام در موضوع اعمال تحریم‌ها و همکاری‌های فرآتلاتنیکی در موضوع هسته‌ای ایران شاهد نوعی همسویی قدرتمند بوده‌ایم که البته این امر نافی تأیید رویکرد مستقل اتحادیه اروپا نخواهد بود.

در مجموع می‌توان اظهار داشت سیاست خارجی (رفتار) اتحادیه اروپا در قبال برجام، از منطق هنجاری اتحادیه اروپا (حکمرانی خوب، دموکراسی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، توسعه اقتصادی، رژیم‌های مهاجرتی و رژیم‌های امنیتی) با هدف تغییر رفتار ایران و تأمین امنیت اتحادیه اروپا تبعیت می‌کند. چراکه هدف غایی تأمین امنیت اتحادیه اروپا است و هنجارهای اتحادیه اروپا به طور قطع نمی‌تواند مخل امنیت اتحادیه باشد. هنجارها برای اروپا کاربرد ابزاری دارند و ارزش‌های هنجاری ابزارهای اتحادیه در ساخت و تنظیم روابطش با سایر کشورهاست که نهایتاً در خدمت هدف تأمین امنیت و منافع آن خواهد بود. با این وجود گستره تاثیرگذاری این هنجارها و ارزش‌ها فراتر از موجودیت جغرافیایی اتحادیه می‌رود و ساحت ویژه‌ای به آن می‌بخشد. الگوهای انتخاب عقلایی با ارزش‌های



هنجاری اروپا منافاتی ندارد و حتی می‌توان با توجه به سازوکارهای انتخاب و محدودیت‌های انتخاب، ارزش‌های هنجاری را در وضعیت تقدم و تاخر نسبت به یکدیگر و نیز نسبت به مولفه‌های امنیتی نشانند. از این منظر در تحلیل سطح رفتاری اتحادیه اروپا می‌توان گفت از مهم‌ترین شاخص‌های رفتار تعامل محور اتحادیه اروپا، هنجارگرایی این اتحادیه بوده است که در روابط با موجودیت‌های سیاسی و مناطق جغرافیایی مختلف نیز به چشم می‌خورد؛ هرچند که به باور این پژوهش همه این تحرکات با هدف تامین امنیت این اتحادیه بوده است. به عبارتی ارزش‌های هنجاری اتحادیه اروپا برای تحقق امنیت اتحادیه اروپا استفاده می‌شود؛ ارزش‌هایی که دموکراتیک هستند و بر اساس آنها، رویکرد اروپا با سایر مناطق جهان را - بر خلاف آمریکا- نهایتاً در سطح یک تشر سیاسی نگه داشته است و بیشتر متمایل به مولفه‌های چون کمک‌های توسعه‌ای، هنجارهای بین‌المللی و حقوق بشر هستند. با این حال، چنانچه اروپا از سوی کشوری احساس نا امنی نکند ممکن است اصلاً در صدد تزیق هنجارهای خود نباشد. به عنوان مثال اتحادیه اروپا در روابطش با بعضی از کشورها (مانند کشورهای حوزه خلیج فارس) حتی اگر نظام سیاسی آن اقتدارگرا یا دیکتاتور باشد ممکن است به هیچ وجه در صدد انتقال هنجارها به آن کشور نباشد، که نمایانگر رویکرد دوگانه در حوزه رفتار سیاسی اتحادیه است.

از بعد دیگر، آنچه باید مورد توجه قرار گیرد موضوع تطبیق‌پذیری ارزش‌ها - که در اسناد رسمی اتحادیه اروپا منعکس شده است- و هنجارها با شرایط و اقدامات صورت گرفته است. یعنی تطابق رفتار اتحادیه اروپا بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای محوری آن با شرایط و ویژگی‌های مناطق جغرافیایی مورد نظر اتحادیه اروپا مانند خاورمیانه و رفتاری که از خود بروز می‌دهد. در راستای مطالعات صورت گرفته باید اذعان داشت اتحادیه اروپا بر مبنای ذات هنجاری خود وارد حوزه تصمیم‌سازی و کنش در مورد ایران شده است؛ هرچند که نمی‌توان این مهم را از زیر پرچم اولویت‌های امنیتی اتحادیه خارج کرد و به عنوان موضوعی منفک به آن نگریست. به بیان دیگر، اروپا با یک رفتار هنجاری در صدد بوده است رفتار ایران را در وهله اول در حوزه هسته‌ای و در دوایر بعدی در حوزه‌هایی چون رفتار در منطقه تغییر بدهد. از دیگر سو نیز، همکاری ایران با اروپا در موضوعات مختلف منطقه‌ای، به مثابه امتیازی بوده است که ایران به اروپا می‌دهد تا اروپا را بالای سر برجام نگه دارد.

همچنین نتایج این پژوهش نمایانگر این است که سیاست همسایگی اتحادیه اروپا که با هدف صدور هنجارهای اروپایی به خارج از مرزهای خود و تعمیم مولفه‌های هنجاری در حلقه همسایگان تنظیم و ارایه شده است، در مورد رفتار اتحادیه اروپا با ایران نیز صادق است. با اینکه ایران نیز جزء شانزده کشور

تعریف شده در سند سیاست همسایگی نیست اما می‌توان حلقه دومی بعد از حلقه همسایگان مورد اشاره در این سند متصور شد که ایران در آن قابل‌جانمایی باشد.

مضافاً اینکه، همان‌گونه که در سند استراتژی جهانی اتحادیه اروپا نیز بیان شده است غایت خواسته این استراتژی - با تعیین منافع و اصول اصلی اتحادیه اروپا برای تعامل در جهان گسترده‌تر و یک جهت‌گیری جمعی - این است که اروپا را قوی‌تر کند، به عنوان بازیگری متحد و تأثیرگذار در صحنه جهانی که هم شهروندان را ایمن نگه دارد، و هم منافع آن را تأیید و حمایت کند و هم ارزش‌های آن را حفظ کند. لذا در استراتژی جهانی اتحادیه اروپا نیز، گسست معنایی و تعارضی بین امنیت، منافع و ارزش‌ها لحاظ نشده است.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسة العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادین اسلام

جمع‌بندی:

این پژوهش درصدد بوده است به تبیین منطق رفتار اتحادیه اروپا در قبال برجام (توافق هسته‌ای با ایران) بپردازد، از این منظر تلاش گردیده است که هم‌انگیزه‌ها و هم‌بنیاد فکری رفتار اتحادیه اروپا در خصوص ورود به مذاکرات، امضای توافق و تأکید بر حفظ آن، مورد مطالعه و شناسایی قرار گرفته و تنها به یکی از این وجوه اکتفا نشود. همچنین تلاش گردیده است با بهره از چارچوب مفهومی این پژوهش - اروپای هنجاری - موضوع اصلی تحقیق یعنی "تبیین منطق رفتاری اتحادیه اروپا در قبال برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)" مورد بررسی و شناخت قرار گیرد. در این راستا همچنین، موضوعاتی چون سیاست همسایگی اتحادیه اروپا و استراتژی جهانی اتحادیه مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. مضافاً اینکه، برای شناخت و درک بهتر موضوع مورد بحث، بررسی و بازنگری روابط اتحادیه اروپا و ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ انجام شده و تا حد امکان به صورت اجمالی نقاط عطف به ویژه با تمرکز بر موضوع برنامه هسته‌ای ایران و مذاکرات پیرامون آن مورد اشاره قرار گرفته است.

بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان گفت روابط طرف‌ها از بعد از وقوع انقلاب اسلامی ۵۷ تا زمان امضای برجام و بازه زمانی بعد از آن تا مقطع فعلی، در پرتو مقتضیات زمانی و تاثیرگذاری متغیرهای داخلی و خارجی تغییراتی را در شکل و محتوا تجربه کرده است؛ هرچند که خواست مشترک آنها برای بازسازی یا تقویت روابط با هدف حصول به نتیجه عینی بر اساس ارزش‌ها و منافع خود، عامل ثابت در همه مقاطع زمانی بوده است. تا جایی که می‌توان استدلال نمود اعلام وحدت نظری و عملی اتحادیه اروپا با آمریکا در اتخاذ دیپلماسی تحریم علیه ایران نیز، به دلیل باورمندی این اتحادیه به مزایای ناشی از آن در مقابل گزینه جنگ و تقابل نظامی بوده و بازتابی از گستره معنایی - هنجاری سیاست خارجی و امنیتی این اتحادیه است.

همچنین، سیاست همسایگی اتحادیه اروپا که با هدف صدور هنجارهای اروپایی به خارج از مرزهای خود و تعمیم مولفه‌های هنجاری در حلقه همسایگان تنظیم و ارایه شده است، در مورد رفتار اتحادیه اروپا با ایران نیز صادق است (با اینکه ایران نیز جزء شانزده کشور تعریف شده در این سند نیست) و استراتژی جهانی اتحادیه اروپا نیز با رفتار این اتحادیه در قبال ایران و برجام همسویی دارد.

مضافاً اینکه اتحادیه اروپا به برجام به مثابه هنجاری برای تغییر رفتار ایران نگریسته و می‌نگرد. به عبارتی، برجام نوعی از رژیم هنجاری است و مشتمل بر باید و نبایدهایی است که مبنای تنظیم‌کننده رفتار ایران در حوزه هسته‌ای است. نتیجه پژوهش حاکی از این است که سیاست خارجی (رفتار) اتحادیه



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية تراسات العالم الاسلامی

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۴۶

سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

اروپا در قبال برجام، از منطق هنجاری اتحادیه اروپا (حکمرانی خوب، دموکراسی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، توسعه اقتصادی، رژیم‌های مهاجرتی و رژیم‌های امنیتی) با هدف تغییر رفتار ایران تبعیت می‌کند. ابتکار تروئیکای اروپایی در تشویق ایران و آمریکا برای از سرگیری دور جدید مذاکرات (هفتم، هشتم و...) و نقش تسهیل‌کننده آن در تداوم گفتگوها و عبور از چالش‌ها در خلال مذاکرات، آخرین نمودهای رفتاری اتحادیه اروپا در این زمینه به شمار می‌رود. به بیان دیگر، رویکرد معنایی - هنجاری سیاست خارجی و امنیتی این اتحادیه نسبت به ایران را می‌توان به مثابه گزاره‌ای دانست که همچنان می‌تواند در پیش‌برد اهداف ایران و اتحادیه اروپا در چارچوب توافق جامع هسته‌ای موثر واقع شود و مقوم حرکت طرفین به سوی بسط تعاملات، راهکار برون رفت از انسداد ناشی از تعارض پیش آمده در مورد برجام، افزایش قدرت چانه‌زنی و تقویت دیپلماسی باشد. به ویژه آنکه با انتقال قدرت در آمریکا می‌توان امید داشت اراده جمیع بازیگرانی که در حصول برجام نقش داشتند به سمتی سوق یابد که با تعقیب مجدد مفاد مورد توافق در برجام و رفع ناسازگاری‌های عملی و نظری، شاهد فصل جدید از روابط با اتحادیه اروپا در قامت عملیاتی شدن مفاد توافق مذکور باشیم. با این حال، با اینکه همچنان می‌توان به سیاست خارجی منسجم و موثر اتحادیه اروپا در این موضوع برای یافتن راه‌حل‌های صلح‌آمیز و سودمند مشترک امیدوار بود اما بی‌ثباتی موجودیت برجام در شرایط فعلی، ابهامات و پرسش‌هایی را خلق کرده است که با توجه به منافع و خواسته‌های متفاوت طرف‌ها، همچنان چشم‌انداز روشنی از آینده آن متصور نیست، چنانکه به قول پرودن^۱ "زاینده‌گی امور خلاف انتظار به مراتب از دوراندیشی سیاستمدار تجاوز می‌کند".



ADEBAHR, CORNELIUS (2017). "Iran Policy: Multiple Pathways Ahead", CARNEGIE ENDOWMENT FOR INTERNATIONAL PEACE. Available at:

<https://carnegieeurope.eu/2017/01/31/trump-eu-and-iran-policy-multiple-pathways-ahead-pub-67836>

Ali, Omran Omer (2018). "Unexpected effectiveness? The European Union and the long journey to the 2015 landmark greement on Iran's nuclear programme". PhD thesis, University of Glasgow. Available at: <http://theses.gla.ac.uk/8981>

BASSIRI TABRIZI ,ANISEH and COVILLE, THIERRY and JALILVAND, DAVID RAMIN(2018). "Better Together Brexit, the E3, and the Future of Europe's Approach towards Iran", Friedrich Ebert Stiftung. Available at:

<https://library.fes.de/pdf-files/iez/14382.pdf>

Bickerton, Chris J. (2011). "Legitimacy Through Norms: The Political Limits to Europe's Normative Power", in: Normative Power Europe: Empirical and Theoretical Perspectives (Palgrave Studies in European Union Politics), Edited by Richard G. Whitman, Palgrave Macmillan: UK. Available at:

https://is.muni.cz/el/1423/podzim2016/MVZ208/um/65500177/Normative_Power_Europe-2011.pdf

Council of the European Union (2003). "2518th Council Meeting- External Relations- General Affairs and External Relations", 10369/03 (Presse 166) C/03/166, 16 June, Luxembourg. Available at: https://ec.europa.eu/commission/presscorner/detail/ro/PRES_03_166

Council of the European Union)2010a). "Council Conclusions on Iran, 3023rd Foreign Affairs Council Meeting", 14 June, Luxembourg. Availbale at:

https://www.europarl.europa.eu/meetdocs/2009_2014/documents/d-ir/dv/council_14-06-10/council_14-06-10en.pdf

Council of the European Union (2010b). "Conclusions", EUCO 13/ 10, 17 June, Brussels. Availbale at:https://ec.europa.eu/eu2020/pdf/council_conclusion_17_june_en.pdf

Council of the European Union (2011a). "3124th Council meeting Foreign Affairs", 16756/11 (PRESSE 422), 14 November, Brussels. Available at:



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعیة ترانست العالم الاسلامی



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۴۹

تبیین رفتار اتحادیه اروپا در قبال ایران

https://ec.europa.eu/commission/presscorner/detail/en/PRES_11_442

Council of the European Union (2011b). “3130th Council Meeting Foreign Affairs”, 17720/11 (Presse 458), 30 November and 1 December, Brussels. Available at:

https://www.consilium.europa.eu/uedocs/cms_data/docs/pressdata/EN/foraff/126518.pdf

Council of the European Union (2012a). “3142nd Council Meeting Foreign Affairs”, 5592/12 (Presse 18), 23 January, Brussels. Available at:

https://ec.europa.eu/commission/presscorner/detail/en/PRES_12_18

Council of the European Union (2012b). “3191st Council Meeting Foreign Affairs” 14763/1/12 REV 1, (Presse 419), 15 October, Luxembourg.

Available at: https://ec.europa.eu/commission/presscorner/detail/en/PRES_12_419

Council of the European Union (2012c). “COUNCIL DECISION 2012/829/CFSP: amending Decision 2010/413/CFSP concerning restrictive measures against Iran” 21 December, Brussels. Available at: <https://eur-lex.europa.eu/eli/dec/2012/829/oj>

Council of the European Union (2015). “Council Conclusions on the Agreement on Iran’s Nuclear Programme”, 597/15, 20 July, Brussels. Available at:

<https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2015/07/20/fac-iran/pdf>

Coville, Thierry (2014). “EU and Iran Towards a New Partnership?” IRIS Website: The French Institute for International and Strategic Affairs. Available at:

<https://www.iris-france.org/44347-eu-and-iran-towards-a-new-partnership/>

Fathollah- Nejad, Ali (2018). “Europe and the future of Iran policy: Dealing with a dual crisis”, BROOKINGS DOHA CENTER. Available at:

<https://www.brookings.edu/research/europe-and-the-future-of-iran-policy-dealing-with-a-dual-crisis/>

Fiedler, Radosław (2017). “EUROPEAN UNION AND THE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN – OPPORTUNITIES AND CHALLENGES”, In: POLITICAL DILEMMAS of the ARAB and MUSLIM WORLD, Edited by Rafał Ożarowski & Wojciech Grabowski. Polish International Studies Association (PTSM).

Available at: <http://ptsm.edu.pl/political-dilemmas-of-the-arab-and-muslim-world>

Gerami, Nima and Goldschmidt, Pierre (2012). “CASE STUDY 6: The International Atomic Energy Agency’s Decision to Find Iran in Non-Compliance, 2002–2006”, Center for

the Study of Weapons of Mass Destruction. CASE STUDY SERIES. National Defense University Press: Washington, D.C. Available at:

https://wmdcenter.ndu.edu/Portals/97/Documents/Publications/Case%20Studies/cswmd_cs6.pdf

Hunter, Shireen T. (2010). "Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era: Resisting the New International Order", Santa Barbara, CA: Praeger.

IAEA Director General Statement on Iran (2016), January 16, Available at:

<https://www.iaea.org/newscenter/statements/iaea-director-general%E2%80%99s-statement-iran>

IAEA Board of Governors (2006). "Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran: Resolution Adopted on 4 February 2006", GOV/2006/14, 4 February, Vienne. Available at: <https://www.iaea.org/sites/default/files/gov2006-14.pdf>

IAEA Board of Governors (2015) "Joint Comprehensive Plan of Action implementation and verification and monitoring in the Islamic Republic of Iran in light of United Nations Security Council Resolution 2231 (2015): Resolution adopted by the Board of Governors on 15 December 2015", GOV/2015/72, 15 December, Vienna.

Available at: <https://www.iaea.org/sites/default/files/gov-2015-72.pdf>

IAEA Information Circular (2004). "Communication dated 26 November 2004 Received from the Permanent Representatives of France, Germany, the Islamic Republic of Iran and the United Kingdom Concerning the Agreement Signed in Paris on 15 November 2004", Infirc/637, 26 November, Vienna. Available at:

<https://www.iaea.org/sites/default/files/publications/documents/infcircs/2004/infcirc637.pdf>

Joint Plan of Action (2013), 24 November, Geneva. Available at:

<https://www.treasury.gov/resource-center/sanctions/Programs/Documents/jpoa.pdf>

Kerr, Paul K. (2020). "Iran's Nuclear Program: Tehran's Compliance with International Obligations", Congressional Research Service (CRS). Updated April 17, 2020.

Available at: <https://fas.org/sgp/crs/nuke/R40094.pdf>

Kile, Shannon N. (ed.) (2005). "Europe and Iran: Perspectives on Non-proliferation",



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعیت نرسانت العالم الاسلامی

۵۰

سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی ترانس‌ت‌ال‌اسلامی
پژوهش‌های میان‌رشته‌ای جهان اسلام

- Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI), Research Report No. 21, Publisher: Oxford University Press. Available at:
<https://www.sipri.org/sites/default/files/files/RR/SIPRIRR21.pdf>
- Manners, Ian (2002). "Normative Power Europe: A Contradiction in Terms?", *Journal of Common Market Studies (JCMS)*, vol. 40, issue 2, pp. 235-258. Available at:
<https://forskning.ruc.dk/en/publications/normative-power-europe-a-contradiction-interms>
- Manners, Ian (2009). "The Concept of Normative Power In World Politics", *Danish Institute for International Studies*. 1-5 p.p. Available at: https://pure.diiis.dk/ws/files/68745/B09_maj_Concept_Normative_Power_World_Politics.pdf le/resrep13211
- Manners, Ian (2011). "The European Union's normative power: critical perspectives and perspectives on the critical". In: *Normative Power Europe: Empirical and Theoretical Perspectives*, Whitman, R (ed.), Basingstoke: Palgrave, 226-247.
- McCloskey-Gholikhany, Leah (2019). "EU Foreign Policy Identity: A Case Study on the EU's Engagement of the Islamic Republic of Iran". *Department of EU International Relations and Diplomacy Studies: College of Europe*.
 Available at: <https://www.coleurope.eu/research-paper/eu-foreign-policy-identity-case-study-eus-engagement-islamic-republic-iran>
- Mogherini, Federica and Zarif, Mohammad Javad (2015a). "Joint Statement by EU High Representative Federica Mogherini and Iranian Foreign Minister Javad Zarif", 2 April, Switzerland. Available at:
https://eeas.europa.eu/delegations/vienna-international-organisations/3477/node/3477_de
- Mogherini, Federica and Zarif, Mohammad Javad (2015b). "Joint Statement by EU High Representative Federica Mogherini and Iranian Foreign Minister Javad Zarif", 150714_01, 14 July, Vienna. Availbale at:
<https://www.auswaertiges-amt.de/blob/202518/56221bd6e0f78df2d1a7ebe3615823a6/150714-irn-deal-erklarung-hvin-zarif-data.pdf>
- Mogherini, Federica and Zarif, Mohammad Javad (2016). "Joint statement by EU High Representative Federica Mogherini and Iranian Foreign Minister Javad Zarif", 16 January, Vienna Available at: https://eeas.europa.eu/headquarters/headquarters-homepage/2991_en
- Posch, Walter (2006). "The EU and Iran: A Tangled Web of Negotiations," in: *Iranian*

Challenges, edited by Walter Posch, Chaillot Paper No. 89, European Union Institute for Security Studies, pp. 99-114. Available at:

<https://www.jstor.org/stable/pdf/resrep07012.11.pdf?refreqid=excelsior%3A210f44ba2137f7b144c82615f4daf081>

Posch, Walter (2016). "Iran and the European Union". The Iran Primer, The United States Institute of Peace (website): Washington DC, Original: 11 October, 2010, contributors an update: Garrett Nada and Cameron Glenn in February 2016. Available at:

https://iranprimer.usip.org/sites/default/files/Iran%20Region_Posch_EU%20Feb%202016.pdf

Rakel, E. P. (2008). "The Iranian political elite, state and society relations, and foreign relations since the Islamic revolution". PhD thesis, Faculty of Social and Behavioural Sciences (FMG), University of Amsterdam: 288 pages. Available at:

<https://dare.uva.nl/search?identifier=21785217-14e5-4059-9d6c-b1919353bb0a>

Reissner, Johannes (2006). "EU-Iran relations: options for future dialogue", in: Iranian Challenges, edited by Walter Posch, Chaillot Paper No. 89, Paris: European Union Institute for Security Studies, pp115-126. Available at:

<https://www.jstor.org/stable/pdf/resrep07012.12.pdf?refreqid=excelsior%3A5bd4cde9a27aacdfca0f6275a596f1dc>

Savorskaya, Ekaterina (2015). "THE CONCEPT OF THE EUROPEAN UNION'S NORMATIVE POWER", Baltic Region, NO 4 (26). PP 66-76.

https://journals.kantiana.ru/upload/iblock/4a1/Savorskaya_66-76.pdf

Seeberg, Peter (2016). "The EU and the international sanctions against Iran: European and Iranian foreign and security policy interests, and a changing Middle East", Palgrave Communications 2, 16080. Available at: <https://www.nature.com/articles/palcomms201680>

Skolimowska, Anna (2015). "The European Union as a "normative power" in international relations. Theoretical and empirical challenges", Yearbook of Polish European Studies, Vol. 18, 111-131.

Struwe, Matthias. V. (1998) "The Policy of "Critical Dialogue": An Analysis of European Human Rights Policy towards Iran from 1992 to 1997", Working Paper, University of Durham, Centre for Middle Eastern and Islamic Studies, Durham.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۵۲

سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

Available at: <http://dro.dur.ac.uk/95/1/60DMEP.pdf?DDD35>

Tocci, Nathalie (2008). "The European Union as a Normative Foreign Policy Actor", CEPS Working Documents No. 281/January 2008, Available at:

https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1337970

United Nations Security Council (2020). "Security Council Documents: Resolutions", New York, (accessed 2020).

Available at: <https://www.un.org/securitycouncil/content/resolutions>

Whitman, Richard (ed.) (2011). "Norms, Power and Europe: A New Agenda for Study of the EU and International Relations", in: Normative Power Europe: Empirical and Theoretical Perspectives (Palgrave Studies in European Union Politics), Palgrave Macmillan: UK.

Available at:

https://is.muni.cz/el/1423/podzim2016/MVZ208/um/65500177/Normative_Power_Europe-2011.pdf

Windt, András (2017). "The participation of the EU in the negotiation and implementation of the Iran nuclear agreement", EU Non-Proliferation Consortium and Peace Research Institute Frankfurt, Available at:

<https://www.nonproliferation.eu/wp-content/uploads/2018/09/the-participation-of-the-eu-in-the-negotiation-and-604.pdf>

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۳۰۲

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

شاه‌رضایی، فاطمه؛ شفیعی، نوذر؛ دهشیار، حسین؛ شفیعی، حسن (۱۴۰۰)، «تبیین رفتار اتحادیه اروپا در قبال برجام» فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۱۱، ش ۳، پاییز ۱۴۰۰، صص ۵۳-۲۵.

